

بسم الله الرحمن الرحيم

نام گروه:

سینا حمسی

بهداد شریعتی

منابع: آثار: دکتر علی شریعتی

۲- امام حسین: شیخ عباسعلی اسلامی

اشعار: محتشم کاشانی

روز سوم عاشورا

بنام خدا

محرم: این ماه تجدید رویدادها و خاطراتی تاثرانگیز و در عین حال پرشکوه و افتخارآمیز عاشورای محرم همان روزی که تجسم آن لرزه بر اندام می اندازد. همان روزی که از مرز جسم ها گذشته و به روح و روان انسانی نفوذ می کند. قلوب را تسخیر می کند دلها را مسحور منبع الهام هزاران، بل میلیونها انسان پاکباخته و شیفته شهادت و آگاهی و دوستدار آزادی را بر می انگیزد تا به ستمگران درس عبرت آموزد.

حسین در خطابه ای روز عاشورا در مقابل سپاه یزید ایراد کرد می فرماید: اجداد ما همه مردانی بلندهمت و غریز بوده اند و هرگز خواری و ذلت را نپذیرفتند و مرگ را به ذلت ترجیح دادند و باز فرمود میدان جنگ برای من محراب دعا و نماز است و با همان شوق و علاقه بدان روی می آورم، همه حسین را دوست دارند. مسلمان و غیر مسلمان، غنی و فقیر، پاک و ناپاک حتی کسانی که با او به جنگ برخاستند و او را به شهادت رساندند.

قلبهاشان با او بود، هر جا خانواده ای پیدا کنید که مروش علی باشد و زنش فاطمه و دخترش زینب و پسرانش حسن و حسین آن خانواده همان عترت است و همه ی انسانها به چنین خاندانی نیازمند است این خانواده سر مشق و نمونه برای

همه ی بشریت است.

و فرمود: من مرگ و شهادت را جز سعادت نمی بینم و بودن با ستمگران را جز

بیهودگی و ذلت نمی دانم.

پیغمبر فرمود: حسین از من است و من از حسینم و یا حسن و حسین دو گل

خوشبوی دنیا می باشند.

و باز فرمود حق مرگ با عزت را جز سعادت و همزیستی و بودن با ستمگران را

جز بدبختی و نکبت نمی بینم.

حادثه کربلا در آغاز سال ۶۱ هجری روی داد، سرهای مقدس شهیدان را از

بدنشان جدا کردند و وحشیانه بر سر نیزه ها کردند.

هفتاد و هشت نفر از یاران حسین به شهادت رسیدند، سرهای مطهر آنها و سر

مقدس سیدالشهداء بر سر نیزه ها بالا رفت، قبایل وحشی در این نبرد غیر عادلانه

شرکت داشتند و بیشرمانه سرها را بین خودشان تقسیم کردند و بدن مطهر امام

و سایر شهیدان را بدون دفن رها کردند. بهنگام ترک کربلا گروهی از افراد قبیله

بنی اسد به آنجا رسیدند و اجساد مقدس شهداء را مشاهده کردند. و آنها بودند

که این بدنها را دفن کردند و سرها را و اسیران که خانواده امام بودند به نزد

یزید بردند.

در میان اسیران بانوی شیرزن کربلا و سایر زنان حسین علیه السلام و امام زین العابدین و امام باقر در کاروان اسیران بودند.

گرچه جسم حسین علیه السلام در صحرای کربلا بدون دفن باقی ماند، لیکن قبر او در درون سینه و قلب دوستدارانش جای دارد. اسم حسین نیروی موثری است که قلب و اندیشه همه ضعفاء و ستمدیدگان را می لرزاند. او عالیترین مثال و آرزوی همه ی انسانهای شریف و ایده آل محرومین در همه ی عالم است و هرگز از یادها و قلبها محو نمی شود. داستان علی و حسین (ع) یکی است و نیز ابعاد و جهات عشق دوستی هر دو امام یکی است و واحد است و آن مسئله بیچارگان و مساکین است.

تاریخ علی (ع) و فرزندانش تماما ستر و نبرد و مبارزه علیه ستمگران و گردنکشان و به منظور یاری حق و عدالت و مردم آزاده جهان است.

قبر حسین روشن است و گرم و زیارتگاه شیفتگان راه حق و آزادی و قبر یزید و معاویه سرد است و بی روح و خاموش که هیچکس آنرا نمی شناسد. در کربلا نزدیک ضریح حسین (ع) قبر باشکوه و افتخارآفرین برادرش عباس آن تکسوار بلند قامت و زیبایی چابک را که دستها و پای حماسه سازش را بریده اند و چشمان او را با سر نیزه پر ساخته اند و در همین حال او نیز پرچم توحید را از

دست نمی دهد.

او فرزند علی پسر ابوطالب است.

و اما کربلا این سرزمین مقدس و این کعبه آمال همه انسانهای آزادیخواه جهان که می خروشد و می کوبد و طوفان برپا می کند و ساکنان و سازشکاران و رمیدگان از حق بر بشر با ظل و ریا را رسوا می کند و خون حسین است که می جوشد و بساط همه ی غاصبین را نابود می کند.

این کشته فتاده بهای خون حسین تست	وین صید دست و یازده در خون حسین تست
این ماهی فتاده بدریای خون که هست	زخم از ستاره بر تنش افزون حسین تست
بودند دیو و دد همه سیراب و می مکید	خاتم زمحط آب سلیمان کربلا
باز این چه شورش است که در خلق عالم است	باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
از آب هم مضایقه کردند کوفیان	خوش داشتند حرمت مهمان کربلا
خاموش محتشم که زذکر غم حسین	جبرئیل را زروی پیغمبر حجاب شد
چون روی در بقیع زهرا خطاب کرد	وحش زمین و مرغ هوا را کباب کرد
گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب	کاشوب وزتمام ذرات عالم است
گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست	این رستخیز عالم که نامش محرم است

سلام بر همه آزادیخواهان
سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا
سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا
سلام بر تو ای وارث عیسی محبوب خدا

سلام بر حسین و یاران با وفای او
سلام بر تو وارث نوح پیامبر خدا
سلام بر تو ای وارث موسی هم سخن خد
سلام بر تو ای وارث علی، ولی خدا

و سلام بر تو ای خون خدا حسین

بودند دیو و دد سیراب و می مکید
خاتم زحط آب سلیمان کربلا

زخم زبان به بغض گلو گیر می زدند

آنان که خیمه گاه مرا تیر می زدند

دیروز در رکاب تو شمشیر می زدند

آتش بجان کودک به شیر می زدند

هم ماه و سال، بعد تو زنجیر می زدند

در آن غروب تا که سرت برستان رسید

بعد از شما به سایه ماتیه می زدند

پیشانی تمامی شان داغ سجده داشت

این مردمان غریب نبودند، ای پدر

غوغای فتنه بود که با تیغ آبدار

هم روز و شب به گرد تو بودند سینه زن

از حلق های تشنه صدای اذان رسید